

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

مؤلفه‌های پایداری در سروده‌های ابن‌منیر طرابلسی (علمی - پژوهشی)

دکتر سید مهدی مسوق^۱، سارا اسدی^۲

چکیده

ادبیات همواره عرصه‌عرضه مفاهیم والای انسانی بوده و نهانی‌ترین صحنه‌های زندگی بشر را به تصویر می‌کشد و جنگ و مقاومت به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های زندگی بشر، در ادبیات نمود بارزی یافته و همواره ادیبان و نویسندگان از این مهم مستثنا نبوده و به خلق آثار زیبایی در این زمینه دست یازیده‌اند؛ چنان‌که پس از جنگ‌های صلیبی و بروز درگیری‌های سرنوشت‌ساز میان مسلمانان و مسیحیان، به‌خصوص پس از روی کار آمدن حکومت زنگیان و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی، ادیبان و شاعران به عنوان زبان‌گویای جامعه، اشعار خود را به منظور تشویق حاکمان و تداعی مداومت در حس حماسی و مبارزه‌گری به این موضوع اختصاص دادند. ابن‌منیر طرابلسی (۴۷۳-۵۴۸ هـ) از جمله شاعران برجسته عصر زنگیان است که رسالت خود را در جهت اهداف مقاومت و رویکرد ستیزه‌جویانه آن و به منظور آزادسازی سرزمین‌های اسلامی از سلطه صلیبیان اختصاص داد و با اثرپذیری از آموزه‌های دینی و باورهای اسلامی، موجبات تهییج و ارتقای روحیه مبارزان و حاکمان امت اسلامی را فراهم آورد. دعوت به جهاد، امید به آینده، ابراز سرور و شادمانی و تطبیق تاریخ، مهم‌ترین جلوه‌ها و مؤلفه‌های پایداری در اشعار او به شمار می‌آید. پژوهش حاضر بر آن است که به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی اشعار پایداری این شاعر برجسته عرصه مقاومت در ادب کلاسیک عربی پردازد و مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری را در سروده‌های او از نظر بگذراند.

واژه‌های کلیدی

ابن‌منیر طرابلسی، پایداری، جهاد، جنگ‌های صلیبی.

^۱ دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول): smm.basu@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

۱- مقدمه

پایداری در تمامی اعصار برای حاکمیت حق و تعالی انسان در زندگی افراد جامعه بشری نمود بارزی دارد؛ در اسلام نیز جهاد و مقاومت برای رهایی افراد و ملت‌های ستم‌دیده به عنوان اصلی اساسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. به گونه‌ای که پس از تشکیل تمدن اسلامی، تلاش برای تحقق عدالت و آزادی بشریت از چنگال ظلم و ستم جلوه گسترده‌ای یافت و مسلمانان؛ جهاد را به منظور تحقق فرامین الهی آغاز کردند و کشورهای سوریه، مصر، فلسطین و ... تحت تصرف مسلمانان درآمدند. این امر نگرانی مسیحیان را برانگیخت، تا جایی که به بهانه بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس و در واقع به منظور جلوگیری از پیشروی ترکان سلجوقی در آناتولی شروع به جنگ با مسلمانان کردند و حکومت‌های اسلامی که در آن زمان دچار رکود و ضعف سیاسی بودند، در حملات صلیبی دچار شکست‌های پی‌درپی شده و شهرهای اسلامی یکی پس از دیگری سقوط کرد؛ تا این که با روی کار آمدن حکومت مقتدر زنگیان و سرانجام آزادسازی شهر رها توسط عمادالدین زنگی، پیروزی به واقعیتهای عینی و فراگیر تبدیل شد. این امر، جلوه‌های باشکوه جهاد و پایداری را در نهاد مسلمانان بارور کرد؛ به گونه‌ای که تمام اقشار جامعه به حفظ و تحکیم مبانی اسلامی مبادرت ورزیدند. شاعران نیز از این اصل مستثنا نبوده و زبان نافذ خود را برای یاری مسلمانان و دفاع از سرزمین خود به کار گرفتند.

۱-۱- بیان مسئله

ابن منیر طرابلسی از جمله شاعران برجسته عصر زنگیان است که با اشعار خود، نقش روشنگری و هدایت مبارزان و حاکمان امت اسلامی را به سوی میدان‌های جنگ و پایداری ایفا نموده و رسالت خود را به منظور بازتاب و استمرار استواری و مقاومت مسلمانان در برابر بیگانگان به تصویر کشیده است. پژوهش حاضر بر آن است که به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی شعر پایداری ابن منیر بپردازد تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر پایداری در شعر ابن منیر کدامند؟

۲. ابن منیر برای ایجاد روحیه مبارزه و جهاد در میان مسلمانان از چه ابزارها و انگیزش‌هایی یاری می‌جوید؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

در مورد زندگی و جایگاه ادبی ابن منیر پژوهش‌هایی چند صورت گرفته که از آن جمله است: کتاب «شعر ابن منیر الطرابلسی» نوشته سعود محمود عبدالجابر که نویسنده در آن به معرفی شاعر و بیان ویژگی‌های شعری او پرداخته و نمونه‌هایی از اشعار او را آورده است. در ایران نیز پژوهش‌هایی در مورد او صورت گرفته که از آن جمله است دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «جستاری در زندگی و شعر ابن منیر طرابلسی» نوشته عطیه میرزایی در دانشگاه فردوسی و «شرح و ترجمه دو بیت از اشعار ابن منیر طرابلسی در مدح اهل بیت^(ع)» نوشته حسن خلف در دانشگاه تهران که ویژگی‌ها و مضامین شعری او را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. علی‌رغم پژوهش‌های پیش‌گفته درباره ابن منیر، تاکنون پژوهشی مستقل در خصوص مؤلفه‌ها و جلوه‌های پایداری در شعر او صورت نگرفته است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

حکومت‌زنگیان در تاریخ جنگ‌های صلیبی نخستین حکومت اسلامی بود که به صورتی پیروزمندانه در برابر تجاوز دشمنان ایستادگی نمود؛ بنابراین مطالعه ادبیات پایداری این دوره که شکوه دلاوری مسلمانان را در برابر دشمنان خارجی بیان می‌دارد می‌تواند برای امت اسلامی حرکت‌آفرین و امیدبخش باشد و آنان را با گوشه‌ای از پایداری‌ها و رشادت‌های مسلمانان در طول تاریخ آشنا سازد.

۲- بحث

۱-۲- زندگی‌نامه ابن منیر

مهدّب‌الدین، ابو حسین احمد بن منیر بن احمد بن مفلح طرابلسی، ملقب به عین‌الزمان و مشهور به رفاء در سال ۴۷۳ هـ / ۱۰۸۰م در خانواده‌ای فقیر در طرابلس شام دیده به جهان گشود (بروکلیمان، بی‌تا: ۴۷/۵). پدرش از سرآمدان ادب عربی بود و در شعر خود به مدح

و منقبت گستری اهل بیت^(ع) می پرداخت. ابن منیر در طرابلس پرورش یافت و قرآن کریم را حفظ نمود و زبان و ادبیات را فرا گرفت و در نظم شعر مهارت یافت (احمد بدوی، ۲۰۰۳: ۱۳۶).

هنگامی که این شهر به اشغال صلیبیان درآمد ابن منیر ترک وطن گفت و رهسپار دمشق شد و در آنجا تاج الملوک بوری بن طغتكین را مدح گفت و از جایگاه برجسته‌ای برخوردار شد. جایگاه والای او نزد تاج الملوک سبب شد که بزرگان دمشق را هجو گوید، این امر خشم بوری بن طغتكین را برانگیخت و او را زندانی کرد و دستور داد زبان او را قطع کنند؛ تا اینکه حاجب یوسف بن فیروز نزد سلطان شفاعت او را کرد و سلطان آزادش کرد و به تبعیدش اکتفا نمود (موسی باشا، ۱۹۷۲: ۱۸۸).

پس از وفات بوری بن طغتكین، در زمان اسماعیل به دمشق بازگشت؛ اما پس از مدتی در نتیجه غلو در مذهب تشیع و هجو بزرگان حکومت، اسماعیل نیز بر او خشم گرفت و در صدد بود او را به دار آویزد؛ به همین خاطر مدتی در مسجد وزیر پنهان شد؛ تا اینکه سرانجام از دمشق گریخت و در شهرهای شمالی (حماه، شیزر و حلب) در رفت و آمد بود، سپس دوباره به دمشق بازگشت تا اینکه در زمان مظفر مجیرالدین آبق به سبب ترس از وزیر دولت مؤیدالدوله بن صوفی، دمشق را ترک نمود و به خدمت حاکمان زنگی درآمد و در نزد آنها از جایگاه برجسته‌ای برخوردار شد، و شعر خود را به مدح حاکمان زنگی اختصاص داد و جنگ‌های آنان را با صلیبیان به تصویر کشید، و در خدمت آنها باقی ماند؛ تا این که سرانجام در سال ۵۴۸ هـ / ۱۱۵۳ م در حلب از دنیا رفت. (همان: ۱۹۶-۱۸۹)

ابن منیر، شاعری برجسته و ادیبی درخور ستایش است و تقریباً در تمام مضامین شعری خوش درخشیده است. مضامین اصلی اشعار او جهاد، هجو، مدح، غزل، وصف و بثن الشکوی است.

بیشتر اشعار ابن منیر، شعر جهاد است. او گاه به حکم تقلید، این اشعار را با تغزل آغاز می کند و گاه نیز متناسب با مضمون مقاومت به وصف جنگ پرداخته و در خلال آن حاکمان زنگی (عمادالدین و نورالدین) را مدح گفته و آنها را به ادامه مبارزه علیه صلیبیان فرا می خواند.

۲-۲- مؤلفه‌های پایداری در سروده‌های ابن منیر

۲-۲-۱- دعوت به جهاد

هسته مرکزی و عنصر اساسی ادبیات مقاومت، دعوت به مبارزه و تشویق به پایداری است. این امر آرمان‌های ملی و ایمانی را جهت بخشیده و شکوه آزادی و آزادگی را به مخاطب می‌نمایاند. ادب پایداری تقریباً در آثار تمامی شاعران و ادیبانی که جنگ را تجربه نموده‌اند، نمود و بروز یافته است؛ از این رو، دعوت به مبارزه به عنوان مؤلفه‌ای جدی و تأثیرگذار به شیوه‌های گوناگون و در موارد متعدّد در اشعار پایداری ابن منیر جلوه یافته و در مواضع مختلف، ممدوح خود را به جهاد و مقاومت فرا می‌خواند:

أَيَا سَيْفٍ شَامَتُهُ يَدُ الْمَلِكِ صَارِمًا فَيَهْمَدُ إِذْ يَسْرِي وَ يَسْرِي فَيَهْمَدُ
 دَمَشَقَ دَمَشَقَ إِنَّمَا الْقُدْسُ سَرْحَةٌ وَ مَرَكُزَهَا صَرْحٌ عَلَيْهَا مُمَرَّدُ
 حَمَوَهَا لِكِي يُحْمَوَا وَ قَدْ بَلَغَ الْمَدَى بِهِمْ أَجَلٌ حَتْمٌ وَ عُمُرٌ مُحَدَّدُ

(ابن منیر، ۱۹۸۶: ۲۳۳)

ترجمه: ای شمشیری که دست این سرزمین به برندگی آن چشم دوخته و با به حرکت در آمدن آن آرام می‌گیرد/ دمشق را دریاب، دمشق را دریاب، همانا قدس، سرزمین پهناوری است که در وسط آن، کاخی بلند قد بر افراشته است/ از آن پاسداری کردند تا در حریم آن آرام گیرند؛ ولی اجلی حتمی و عمری کوتاه به آنان فرصت نداد.

ادامه اختلاف و درگیری در میان مسلمانان و کمک‌خواهی برخی از حاکمان مسلمانان از صلیبیان برای غلبه بر دیگری، جایگاه جامعه اسلامی را تضعیف کرد؛ از این رو، شاعر با احساس خطر از فقدان وحدت و همبستگی داخلی، ممدوح خود را به جهاد و دست‌یابی به یکپارچگی بر ضد دشمن متجاوز فرا می‌خواند و از آن‌جا که دمشق در آن زمان شاهره اصلی آزادسازی فلسطین از ناحیه شام بود و مجیرالدین آبق، حاکم دمشق با صلیبیان علیه نورالدین پیمان اتحاد بسته بود، شاعر نیز در ابتدا ممدوح خود را به آزادسازی دمشق فرا می‌خواند و آن را مقدمه رهاسازی قدس معرفی می‌کند، سپس با ابراز حسرت و

اندوه، تلاش مسلمانان به منظور حفظ و تداوم آن را بیان می‌دارد و آرزو می‌کند که این پیروزی به دست نورالدین تحقق یابد:

مَتَى أَنَا رَأَيْ طَائِرَ الْفَتْحِ صَادِحًا يُرْفَرُ فِي أَرْجَائِهَا وَ يُغْرَدُ
(همان: ۲۳۳)

ترجمه: کی من نظاره گر پرنده‌ای خواهم بود که در سراسر دمشق بال‌بال کنان و چهچه زنان آواز پیروزی سر می‌دهد؟

شاعر پس از دعوت نورالدین به مبارزه، آرزو می‌کند که ارزش‌های اسلامی و ملی در دمشق حاکم شده و این آرزو به واقعیتی نوین مبدل شود «پیروزی در اینجا گذرگاهی است که به آینده از راه زمان و به گروه از راه انسان می‌پیوندد» (شکری، ۱۳۶۶: ۲۰۳)؛ از این رو با نمایاندن چهره مردم دمشق و برجسته سازی خیانت دشمنان، جهاد با آنان را امری ضروری و لازم معرفی می‌کند:

صَفْرٌ بِحَدِّ السَّيْفِ دَارَ أَشَائِبِ عَقَلُوا جِيَادَكَ عَنِ بَنَاتِ الْأَصْفَرِ
هُمْ شَيَّدُوا صِرْحَ النِّفَاقِ وَ أَوْقَدُوا نَاراً تَحْشُ بِبِهِمُ عَدَاً فِي الْمَحْشَرِ
أَذْكَوْا بِجَلْقِ حَرِّهَا وَ أُسْتَشْعِرَتْ لَفْحَاتُهَا بَيْنَ الصِّفَا وَ الْمَشْعَرِ
شَرَّدُ بِبِهِمُ مِنْ خَلْفِهِمْ مُسْتَنْجِدًا مَا ظَاهَرَ الْكُفَّارَ مَنْ لَمْ يَكْفُرِ
شَمْرٌ فَقَدْ مُدَّتْ إِلَيْكَ رِقَابُهَا لَا يُدْرِكُ الْغَايَاتِ غَيْرُ مُشْمَرِ
(همان: ۲۲۹)

ترجمه: با تیزی شمشیرت خانه پلیدان و ناپاکانی که سپاهیان تو را از جنگ با رومیان بازداشتند، ویران کن / آنها کاخ‌های نفاق و دورویی را برپا کردند و آتشی برافروختند که فردای قیامت، آنها را می‌سوزاند / آتش آن را در دمشق برافروختند و زبانه‌های آن از صفا تا مشعر احساس شد / با کمک خواهی از یاران، دشمنان را آواره و سرگردان ساز، مؤمنان هرگز از کافران پشتیبانی نمی‌کنند / آستین همت بالا بزن که دمشق به تو امید بسته است؛ چراکه فرد کوشا است که به خواسته‌های خود دست می‌یابد.

انحطاط گسترده و مفرط جوامع اسلامی به خاطر نزاع‌های داخلی و هجمه‌های خارجی، چاره‌جویی برای دستیابی به راه‌های مناسب به منظور خروج از این بحران را

ضروری می‌ساخت؛ از این رو، شاعر می‌کوشد با نمایاندن چهرهٔ مردمان دمشق و مذمت یاری‌رسانی آنان به صلیبیان و با تحریک غیرت دینی نورالدین از قالب تنگ قومیت‌گرایی به در آمده و به مبارزهٔ خود صبغه‌ای دینی و مذهبی بخشد. از آنجا که مردم دمشق با یاری دادن صلیبیان، جایگاه جامعه اسلامی را تضعیف کرده بودند، او پس از دعوت به مبارزه، با اقتباس از آیه شریفه ﴿فَأَمَّا تَثَقَفْتُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ﴾ (انفال/ ۵۷) جنگ با دشمنان داخلی را امری ضروری و به‌مثابهٔ جهاد در راه خدا می‌داند؛ زیرا آنان خیانت را پیشه نموده و به یاری صلیبیان شتافته‌اند. سپس برای بیان ضرورت و لزوم آزادسازی دمشق، آن را به انسانی تشبیه نموده که برای رهایی خود به ممدوح چشم امید دوخته است.

گاهی نیز ممدوح را به رها سازی سرزمین‌های اسلامی از دست بیگانگان فرا می‌خواند و از آنجا که قدس مسئلهٔ اصلی در قاموس فکری شاعر است، بخش دیگری از شعر جهاد او به آزادسازی قدس از چنگال متجاوزان اختصاص یافته است:

يَا هَضْبَةَ الْإِسْلَامِ مَنْ يَعَصِمُ بِهَا يَوْمَنْ وَ مَنْ يَتَوَلَّ عَنْهَا يَكْفُرِ
كَأَنَّا عَلَى صُلْبِ الصَّلِيبِ سُرَادِقًا أَنْبَتُ بَيْتِهِ بِكُلِّ مُذَكَّرِ
أَثَارُهُمْ نَجِسٌ أَذَالَ الْمَسْجِدَ الـ أَقْصَى فَصْنٌ مَا دَنْسُوهُ وَ طَهَّرِ
(ابن منیر: ۲۲۹)

ترجمه: ای کوه استوار اسلام، هر که به تو تمسک جوید در امان است، و هر که روی گرداند، کفران ورزیده است / آنان برای صلیبیان به‌مثابهٔ خیمه و پناهی بودند و او با تیغ بران خود آنان را ریشه کن نمود / نشانه‌های پلید و ناپاک بر جای مانده از آنان، مسجد الاقصی را پامال نموده است، پس هر آنچه را ناپاک کرده‌اند، صیانت نما و پاک گردان.

شاعر در این ابیات ضمن بزرگداشت ممدوح و بیان ناتوانی و شکست دشمن صلیبی، تعهد خود را به آزادسازی قدس به فراخور ارزش‌های اسلامی و ملی بیان می‌دارد و از آن-جا که بارزترین نمونهٔ تعهد در اشعار ابن منیر، تعهد دینی است، شاعر با استفاده از تصاویر و تعبیر دینی مانند آثار و نشانه‌های ناپاک مسیحیان، زدودن پلیدی‌ها از بیت المقدس و دفع

خطر دشمنان از قدس، ممدوح را به آزادسازی قدس و مسلمانان از چنگال متجاوزان فرا می‌خواند.

۲-۲-۲- امید به آینده

فضای کلی اشعار جهادی ابن‌منیر، روشن و امید بخش است و شاید دلیل آن، پیروزی‌های پی‌درپی حاکمان زنگی است که نگاه و تلقی شاعر را نسبت به آینده جامعه اسلامی تغییر داد و او را در جایگاهی قرار داد که چشم‌اندازهای شکوهمند پیروزی را به تماشا بنشیند؛ از این رو، رسالت فکری‌اش متجلی حرکت تکاملی جامعه برای دستیابی به پیروزی و رهایی سرزمین‌های اسلامی به‌خصوص قدس از چنگال متجاوزان است:

سَلِّ بِهَا حِرَانَ كَمْ حَرَى سَقَتْ بَرْدًا مِنْ يَوْمِ رُدَّتْ مَارْدِينَ
 سَمَطَتْ أَمْسِ سُمَيْسَاطُ بِهَا نَظْمُ جَيْشِ مُبْهَجٍ لِلنَّاطِرِينَ
 وَ غَدًا يُلْقَى عَلَى الْقُدْسِ لَهَا كَلْكَلٌ يَدْرُسُهَا دَرَسَ الدَّرِينِ

(همان: ۲۰۰)

ترجمه: از حران پرس، از آن روزی که ماردین آزاد شد، چه بسیار انسان تشنه‌ای که آبی خنک نوشید- چه بسیار انسان‌های آرزومندی که آرزوهایشان برآورده شد- / دیروز شهر سمیسات به دست سپاهی منظم و خیره‌کننده - از لوٹ وجود آنان- پاک گردید/ و فردا بر سرزمین قدس سیطره می‌یابد و نشانه‌های کفر را چون خس و خاشاکی از میان می‌برد.

از آن‌جا که رهاسازی دیگر سرزمین‌های اشغالی، تحوّل بنیادین و تجربه‌ای عملی از تحرک حیات بخش اسلام را نشان می‌داد و این امر برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت‌ساز بود؛ شاعر پس از بیان آزادسازی ماردین و سمیسات با ایجاد امید، ممدوح خود را به ادامه مبارزه به آزادسازی قدس فرا می‌خواند و با تأکید بر آزادسازی قدس، ضمن نمایاندن افق‌های روشن پیروزی، موجبات تهییج و ارتقای روحیه مبارزان و حاکمان امت اسلامی را فراهم آورده و مسیحیان را در موضع ضعف و هراس قرار می‌دهد.

گاهی نیز این پیروزی‌ها چنان جان تازه‌ای در پیکر امت اسلامی می‌دمید که به عنوان

امری عملی و عینی در نزد شاعر تبلور و تجسم می‌یابد:

أَبْدَأُ تُبَاشِرُ وَجَهَ غَزْوِكَ ضَاحِكًا وَ تَوُوبُ مِنْهُ مُؤَيِّدًا مَنصُورًا
(همان: ۲۴۴)

ترجمه: هماره جنگ‌هایت را با شادمانی آغاز می‌کنی و از آنها پیروز و سربلند باز می‌گرددی.

واضح است که نوع انتخاب واژگانی مثل ضاحک، مؤید و منصور، فضایی امیدوارانه و خوش‌بینانه را ایجاد می‌کند. «امید، پدیده‌ای متناقض است؛ نه انتظاری است انفعالی یا کنش‌پذیر و نه نیرویی است واقع‌بینانه که بتواند شرایط ناممکن را به وجود آورد. امید یعنی هر لحظه آمادگی داشتن برای آن چیزی که توگد نیافته است» (فروم، ۱۹۸۰: ۲۲)؛ بنابراین، شاعر با ایجاد امید، دنیای آرمانی پیروزی و آزادی را با اتکا به توانایی و اراده ممدوح و جنگجویان سپاه اسلام بیان می‌دارد که آرزوهای دور دست به واسطه توانایی‌های او امری دست‌یافتنی و آسان می‌نماید.

۲-۲-۳- ستایش دلاوران

اتفاقات بزرگ و ارزشمند در تاریخ هر ملت، حاصل تلاش بی‌وقفه و از خودگذشتگی انسان‌های بزرگ است؛ به همین سبب، بخشی از ادبیات ملت‌ها به ستایش این افراد و بزرگداشت آنها اختصاص می‌یابد. این ویژگی در ادبیات پایداری به طرز نمایانی شکوهمند است؛ زیرا مخاطب را به بزرگی و عزت‌مندی فرا می‌خواند و همگان را به الگوگیری از آنان دعوت می‌کند. ابن‌منیر، شاعر برجسته عصر زنگیان، افزون بر این که نبردهای سترگ و دلاوری‌های حاکمان زنگی را در مقابل هجوم دشمن صلیبی به تصویر می‌کشد، ویژگی‌های والا و صفت‌های پسندیده انسانی را نیز در آنها می‌ستاید:

عَفَى جِهَادَكَ رَسَمَ كُلِّ مَخُوفَةٍ وَ عَفَتْ بِصَفْوَةٍ عَدَلِكَ الْأَكْدَارُ
وَ مَحَا الْمَظَالِمَ مِنْكَ نَظْرَةَ رَاحِمٍ اللَّهُ فِي خَطَرَاتِهِ أَسْرَارُ
عَضْبَانُ لِلْإِسْلَامِ مَالٌ عَمُودَةٌ فَلِنُورِهِ مِمَّا عَرَاهُ نُورُ

(ابن‌منیر: ۱۹۱)

ترجمه: جهادت هر ترس و هراسی را از میان برداشت و عدالت ناب و بی‌پیرایه‌ات تمام تیرگی‌ها را زدود/ نگاه مهربانت ظلم و ستم را محو و نابود کرد. شگفتا که در هر یک از حرکات او رازهایی است/ چنانچه در رکن و اساس اسلام، انحرافی به وجود آید خشمگین می‌شود و از نور وجود او شکوفه‌های اسلام از نو می‌روید.

شاعر در این ابیات افزون بر این که نمونه‌ای والا از دلاوری و چیرگی ممدوح بر دشمنان ارائه می‌دهد و ارزش‌های متعالی انسانی او را می‌ستاید، حماسه‌ای برخاسته از روحی بزرگ و آرمانی مقدس را که پس از گذشت قرن‌ها می‌تواند الگویی ارزشمند برای بشریت و به‌ویژه امت اسلامی قرار گیرد به همگان معرفی می‌نماید و جهاد و عدالت-گستری او را راهی برای پایان ترس و تیرگی‌ها بیان می‌دارد. او نگاه پر مهر ممدوح را پایان ظلم و ستم می‌داند و خشم و مبارزه او در راه شکوه و جلال اسلام را می‌ستاید تا از این رهگذر، نقش روشنگری و هدایت مبارزان را به سوی میدان‌های جنگ و پایداری ایفا نموده و تلاطم پر التهاب مبارزان اسلامی را در دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی به منظور الگوگیری از آنها بیان دارد.

۲-۲-۴- ستایش شهیدان

ستایش و تمجید شهیدان از دیگر بن‌مایه‌های پایداری در اشعار جهادی ابن‌منیر به شمار می‌رود. این امر در اشعار او به تمجید و ستایش از عمادالدین اختصاص یافته است و از خود گذشتگی‌ها و تحمل رنج‌ها و سختی‌های او را به منظور صیانت از میهن و تداوم ارزش‌ها و مبانی اعتقادی می‌ستاید:

مَضَى وَجَنَى لَكَ خُلُو الشَّهَادِ	هَ مِمَّا تَمَطَّقَ مِنْ صَابِهَا
وَ أَوْصَى بِهَا لَكَ مِنْ بَعْدِهَا	تَجَرَّعَ مُمَقَرَّرَ أَوْصَابِهَا
وَ أَقْسَمَ جَدُّكَ أَلَّا يَلِيقُ	بَغَيْرِكَ مُلْبَسُ أَثْوَابِهَا

(همان: ۲۲۲)

ترجمه: او رفت و میوه شیرین شهادت را از تلخی سختی‌ها و ناملايمات چید/ و پس از این که شربت شهادت را نوشید، تو را به جانشینی خود برگزید/ و جدت سوگند یاد کرد که جامه حکومت، جز بر تن تو سزاوار کسی نیست.

ابن منیر برای طرح هنری اندیشه شهادت، شیوه بلاغی زیبایی را بر می‌گزیند و رسیدن ممدوح به مقام والای شهادت را به چیدن میوه‌ای شیرین تشبیه می‌کند؛ سپس به رسالت بازماندگان جنگ و شهادت اشاره می‌کند و از آنجا که شهادت فقط در مقام حاکمان (عمادالدین) بروز یافته، رسالت بازماندگان نیز به مقام حاکمان امت اسلامی (نورالدین) اختصاص یافته است و به وظیفه سنگین و خطیر حاکمیت سرزمین‌های اسلامی به منظور حفظ و صیانت آنها اشاره می‌کند و برای تأکید معنا، کلام خود را به جد نورالدین نیز نسبت داده و حاکمیت سرزمین‌های اسلامی را به جامه‌ای مانند می‌کند که جز برای نورالدین سزاوار کسی نمی‌باشد.

سپس با به دام کشیدن کلمات و در اختیار گرفتن معانی از گلزار اندیشه برای مرثی، ترنم باران رحمت را طلب می‌کند. این حسن طلب، نشان از بزرگی مقام عمادالدین در ذهن و اندیشه شاعر دارد؛ به گونه‌ای که برای بارزتر نشان دادن مقام والای عمادالدین، افزون بر این که برای او باران رحمت طلب نموده، خاکی را که پیکر پاک وی را در دل خویش جای داده، پاک دانسته؛ زیرا به یمن ورود شهید، پاک و مطهر گشته است:

وَسَقَى الْعَمَامُ ثَرَى أَيْبِكَ فَإِنَّهُ
أَزْكَى ثَرَى قَطَرَتْ عَلَيْهِ قَطَارُ
(همان: ۱۹۲)

ترجمه: باران، خاک پدرت را سیراب کند؛ چه پاک‌ترین خاکی است که قطره‌های باران بر آن باریده است.

۲-۲-۵- ابراز سرور و شادمانی

فضای کلی اشعار جهادی ابن منیر آکنده از سرور و شادمانی است. پر واضح است این سرور، ناشی از پیروزی‌های حاکمان زنگی و نابودی دشمن متجاوز است و از آنجا که مظاهر ارزشی اسلام و جنبه‌های اعتقادی و دینی، دغدغه اصلی شاعر را در مواجهه با

صلیبیان تشکیل می‌دهد، ابراز سرور و شادمانی در شعر شاعر، بیشتر به خاطر بازگشتن شکوه و جلال به اسلام جلوه می‌یابد:

أَيْنَ الْخَلَائِفُ عَنْ فَتْحِ أُتَيْحَ لَهُ مُظَلَّلٌ أَفْقَ الدُّنْيَا جَنَاحَاهُ
عَلَى الْمَنَابِرِ مِنْ أَنْبَاءِهِ أَرْجُ مَقْطُوبَةٌ بِفَتَيْقِ الْمِسْكَ رِيَّاهُ
فَتَحُّ أَعَادَ عَلَى الْإِسْلَامِ بَهْجَتَهُ فَافْتَرَّ مِيسَمُهُ وَاهْتَزَّ عِطْفَاهُ

(همان: ۱۹۶)

ترجمه: کجایند خلفای پیشین تا ببینند پیروزی‌ای را که او به دست آورده و بال‌های خود را بر سراسر دنیا گسترانیده است / منبرها از خبر این پیروزی خوشبو شده، گویی رایحه آن با مشک شکافته آمیخته گشته است / این پیروزی، شکوه و جلال را به اسلام بازگرداند، پس خنده بر لبانش نشست و به ترنم آمد.

شاعر به خاطر عظمت این پیروزی، سخن خود را با سرور و شادمانی آغاز نموده و پیروزی سپاه اسلام را به تصویر کشیده و در رویکردی فخرگونه تمام خلفا و حاکمان اسلام را به سرور و شادمانی دعوت نموده است. سپس برای انتقال احساسات درونی خود به تصویرگری می‌پردازد؛ به گونه‌ای که در بیت نخست با ارائه استعاره، پیروزی را به پرنده‌ای مانند نموده که بال‌هایش را بر تمام دنیا گسترانیده است و در بیت دوم تصویر بویایی زیبایی خلق نموده و ادعا نموده که منبرها از خبر این پیروزی خوشبو گشته‌اند. در بیت سوم نیز با تشخص بخشی به اسلام، شادمانی را به آن نسبت داده و ادعا نموده که به واسطه این پیروزی، لب به خنده گشوده و شادمان گشته است؛ در واقع، شاعر با استفاده از این تصاویر، افزون بر این که مفهوم سرور و شادمانی را عینیت بخشیده، برجستگی زیبایی نیز به شعر خود داده است.

۲-۲-۶- قدرت‌نمایی

از دیگر جلوه‌های پایداری در اشعار ابن‌منیر، احساس اقتدار و ارج نهادن به مسلمانان و بیان حقارت دشمنان است. مرکز ثقل این اشعار، نمایاندن عظمت جنگجویان مسلمان و

نابودی و حقارت دشمنان متجاوز است؛ به گونه‌ای که در بیشتر موارد به کشته شدن و

رسوایی دشمنان به‌ویژه فرماندهان و صاحبان قدرت در میدان نبرد اختصاص یافته است:

صَدَمَ الصَّلِيبَ عَلَي صَلَابِهِ عُودِهِ فَتَفَرَّقَتْ أَيْدِي سَبَا خَشَبَاتِهِ
وَسَفَى الْبِرْنَسَ وَقَدْ تَبْرَنَسَ ذَلَّةً بِالرُّوجِ مَمَّا قَدْ جَنَّتْ عَذْرَاتُهُ
فَانْقَادَ فِي خَطْمِ الْمَيْتَةِ أَنْفُهُ يَوْمَ الْخَطِيمِ وَأَقْصَرَتْ نَزْوَاتُهُ

(ابن منیر: ۲۱۲)

ترجمه: صلیب را به‌رغم استواری و سرسختی‌اش در هم شکست و چوب‌های آن به اطراف پراکنده شد/ پرنس -فرمانده صلیبیان- در حالی که -پیش از این- با تکبر گام برمی‌داشت، در سرزمین روج به خاطر خیانت‌هایی که مرتکب شده بود، لباس ذلت و خواری به تن کرد/ روز نبرد در گرداب مرگ گرفتار آمد و سرکشی‌اش پایان یافت.

شاعر در ابتدا با تحقیر دشمنان، شکسته شدن صلیب را که نماد مسیحیت است بیان می‌دارد، سپس کشته شدن پرنس فرمانده مسیحی را به تصویر می‌کشد که لباس ذلت و خواری را به تن نموده و خیانت‌ها و عهد شکنی‌هایش شرننگ مرگ را به او چشانیده است. گاهی نیز قدرت و توانایی ممدوح را در نابودی دشمن متجاوز و باز پس‌گیری قلعه‌ها و

شهرهای اشغالی به تصویر می‌کشد:

رَأَى الصَّلِيبَ صَالِبَ الْقِنَاءِ آمِينَ الْعِثَارَ مَتِينِ الْعَمَدِ
تَهُمُ فَتَسْلُبُهُ مَا أَقْتَنِي وَتَدَأَى فَتَكُلُّهُ مَا أَحْتَشِدُ
زَبْنَتَهُمْ أَمْسَ عَنِ صَرْحَدِ فَفَضُّوا كَأَنَّ نَعَامًا شَرْدُ
وَيَوْمَ الْعُرَيْمَةِ أَقْبَلَتَهُمْ عُرَامًا تَتَعَلَّبُ مِنْهُ الْأَسَدُ

(همان: ۱۸۸)

ترجمه: صلیبیان تو را نیرومند، لغزش‌ناپذیر و استوار دیدند/ به محض این که اراده می‌کنی دارایی‌هایشان را از آنان باز می‌ستانی و با کیاست آنان را در سوگ دارایی‌هایشان می‌نشانی/ دیروز آنها را از صرخد عقب راندی و همچون شتر مرغانی رمیده پراکنده شدند/ روز عریمه با چنان سپاه انبوهی بر آنان یورش بردی که شیرانشان از ترس، روباه شدند.

شاعر قدرت و توانایی نورالدین را از دیدگاه صلیبیان بیان داشته و اینکه چگونه در اثر شجاعت و عزم راسخ خود اموال صلیبیان را باز ستانیده و آنها را در سوگ دارایی‌هایشان

نشانیده است. سپس با ابراز قدرت باز پس‌گیری قلعه‌ها و مناطق اشغالی و سراسیمگی صلیبیان را به تصویر می‌کشد که در میدان نبرد، همچون شترمرغ، پراکنده و سرگردان گشته و حتی دلاورمردانی که همچون شیر، شجاع و دلیر بوده‌اند نیز از ترس و وحشت روباه‌صفت شده‌اند؛ در واقع، شاعر ابراز قدرت را با نوعی تحقیر و تهکم در آمیخته است.

۲-۲-۷- تهدید دشمنان

از دیگر بن‌مایه‌های پایداری در اشعار جهادی ابن‌منیر تهدید دشمنان است. علی‌رغم این که تحرکات و جنبش‌های مقاومت در مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی، خود تهدید جدی در برابر آن‌ها به شمار می‌رفت، اما ابن‌منیر می‌کوشد با تضعیف و تخریب روحیه دشمنان و با ایجاد هراس و وحشت در دل‌هایشان آن‌ها را به تسلیم وا دارد؛ به همین منظور، بلافاصله پس از تهدید دشمنان، قدرت و توانایی ممدوح را بیان داشته و نزدیکی شکست و نابودی آن‌ها را در مواجهه با مسلمانان بیان می‌دارد:

قَالَ لِقَوْمٍ غَرَّهُمْ إِمهَالُهُ سَتَذَوِقُونَ شَذَاهُ بَعْدَ حِينٍ
إِنَّهُ الْمَوْتُ الْكَذِي يُدْرِكُ مَنْ فَرَّ مِنْهُ مَشْحًا لِلْغَافِلِينَ
(همان: ۲۰۱)

ترجمه: به مردمانی که درنگ کوتاه او آنان را فریفته، بگو که به زودی طعم تلخ مرگ را خواهید چشید/ او به مثابه مرگ است که هر کس را که از آن بگریزد، درخواهد یافت و نسبت به غفلت‌زدگان، حریص است.

شاعر در این ابیات، مهلت دادن به صلیبیان را ناشی از عطوفت و مهربانی ممدوح می‌داند؛ در حالی که امکان مقابله با آن‌ها را داراست؛ از این رو آن‌ها را تهدید نموده که طعم تلخ انتقام ممدوح را به زودی خواهند چشید؛ به همین خاطر، تلاش می‌کند دشمنان را از ادامه مبارزه بازدارد، تا بدین وسیله آن‌ها را از فرجام ناخوشایندی که در انتظارشان است، رهایی بخشد:

مَنْ يُطْعَمُ يَنْجُ وَمَنْ يَعْصِ يَكُنْ مِنْ غَدَاةٍ عِبْرَةٌ لِالْآخِرِينَ
(همان: ۲۰۱)

ترجمه: هر که از او اطاعت کند، نجات می‌یابد و هر که نافرمانی کند، عبرت آیندگان خواهد شد.

گاه نیز برای تهدید دشمنان از استعاره بهره می‌جوید:

حَذَارِ فَعِنْدَ إِبْتِسَامِ الْعُمَيْوِ ثِ تُحْشَى صَوَاعِقُ الْهَابِهَا
وَلَا تُخَدَعُوا بِإِفْتِرَارِ اللَّيْوِ ثِ فَالْنَّارُ فِي بَرْدِ أَنْبَاهِهَا
(همان: ۲۲۳)

ترجمه: به هنگام لبخند باران باید از آذرخش آن بر حذر بود. / فریفته دندان‌های خندان شیر نشوید؛ زیرا آتش در میان دندان‌های -به ظاهر خندانش- است. شاعر در ابتدا با به کارگیری استعاره مکئیّه، ممدوح خود را به باران مانند می‌کند و تساهل و تسامح ممدوح را در مورد صلیبیان به آذرخشی دهشتناک مانند کرده است؛ سپس رویکردی حماسی و فخرگونه را بر می‌گزیند و ممدوح را به شیر مانند می‌کند که اگر به خشم آید آتش خشمش همگان را فرو می‌بلعد.

۲-۲-۸- هجو دشمنان

بخش قابل توجهی از اشعار ابن منیر به هجو دشمنان داخلی و خارجی اختصاص یافته است. واضح است آنچه هویت ملی و دینی انسان را تهدید می‌کند، مورد انزجار و نفرت قرار خواهد گرفت و از آنجا که هویت دینی، اساسی‌ترین عامل در مبارزه مسلمانان علیه صلیبیان بود به تبع آن بیشتر هجوهای ابن منیر به هجو دینی دشمنان اختصاص یافته است؛ تا آنجا که حتی دشمنان و مخالفان داخلی را نیز با این چوب می‌راند؛ چنان که در هجو مجیرالدین آبق والی دمشق مس گوید:

تَخَذتَ بَنِي الصُّوفِي أُسْرًا وَأُسْرَةً لِكِي يُصْلِحُوا مَا فِي يَدِيكَ فَأُفْسِدُوا
لَعَمْرِي لِنِعَمِ الْعَبْدِ أَنْتَ تُجِيعُهُ الـ مَوَالِي وَتُولِيهِ هَوَانًا فَيُحِمُّهُ
(همان: ۲۳۲-۲۳۱)

ترجمه: بنی صوفی^۳ را به اسارت کشیدی و آنها را خانواده خود قرار دادی تا امور دولتی را سامان بخشند؛ اما فساد به بار آوردند/ به جانم سوگند تو چنان برده خوبی هستی که سایر بردگان تو را گرسنه نگه می دارند و به خواری و ذلت می کشانند و در ظاهر می ستایند.

شاعر در این ابیات سیاست نابخردانه والی دمشق، مجیرالدین آبق را در انتصاب وزیران و مشاوران موسوم به بنی الصوفی که اوضاع مسلمانان را به تباهی کشانده‌اند به باد انتقاد می گیرد تا ضمن بیان بی کفایتی و ناتوانی حاکمان و وزیران در اداره سرزمین‌های اسلامی با تحریک غیرت دینی و ملی به بازآفرینی و احیای ارزش‌ها پردازد. البته شاعر به این امر اکتفا نکرده و هجو و توبیخ را به هم آمیخته و به مدد استعاره تهکمیّه، خودباختگی ملی و مذهبی مجیرالدین را با لحنی استهزاآمیز مورد ستایش قرار داده و او را بهترین بنده معرفی نموده تا شاید از این طریق، او را به بازشناسی اصول و حفظ جوهره ملی و اعتقادی برانگیزد.

بخش دیگری از اشعار ابن منیر، به هجو دشمنان خارجی که همان صلیبیان هستند اختصاص یافته است؛ به گونه‌ای که گاه عقاید مذهبی آنان را هجو نموده و آنها را مشرک می داند:

فِي مَعْرَكٍ مَا قَامَ بِأُسْكَ دُونَهُ إِلَّا أَقَامَ الْمُشْرِكِينَ وَأَقْعَدَا
وَلَكُمْ مِكَرٌ قُتِمَتْ فِيهِ مُعَلِّمًا أَرْضِي إِلَهَكُمْ وَالْمَسِيحَ وَأَحْمَدَا

(همان: ۱۹۰)

ترجمه: به محض این که شجاعت و دلاوری‌ات در برابر مشرکان ظاهر گشت، آنان را آشفته و پریشان نمود/ حمله‌هایی پی درپی را رهبری کردی و به واسطه آن خداوند، مسیح و پیامبر اسلام را خشنود نمودی.

ابن منیر در ابیات فوق، علاوه بر این که صلیبیان را مشرک می داند با بیان رضایت خداوند، حضرت عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص)، عدم درستی و بطلان عقاید^۴ آنها را نیز بیان می دارد. بیان رضایت خداوند و مسیح از آن رو حایز اهمیت است که شاعر افزون بر این که نبرد آنان را جهاد در راه خدا نمی داند؛ بلکه خط بطلانی بر عقاید آنها کشیده و از باورهای دینی و ستم‌پیشگی آنها انتقاد می کند.

گاه نیز با تشبیه آنها به حیوانات وحشی، نفرت و انزجار خود را از آنها بیان می دارد:

وَقَعَةُ طَاحَتْ بِكَلْبِ الرُّومِ مِنْ قَطْعَةِ الْبَيْنِ إِلَى قَطْعِ الْوَتِينِ
(همان: ۱۹۹)

ترجمه: جنگی که سگ رومیان را به زانو در آورد و گردنش را قطع نمود.
شاعر در بیت فوق، جوسلین فرمانده صلیبیان را به سگ مانند کرده و با ابراز قدرت، شکست و نابودی او را در میدان نبرد به تصویر می‌کشد و این که چگونه سپاه او در نتیجه شجاعت و دلاوری‌های نورالدین میدان نبرد را ترک کرده و گریخته‌اند:

خَنَسَ الثَّعَالِبُ حِينَ زَمَجَرَ مَصْحَر مَلَأَ الْبِلَادَ هَمَاماً وَ زَيْراً
(همان: ۲۱۸)

ترجمه: روباه‌صفتان هنگامی که غرّش و نعره عالم‌گیر نورالدین را شنیدند، عقب نشستند.
ابن منیر در این بیت با تشبیه صلیبیان به روباه، کرامت و فضایل انسانی را از آن‌ها سلب نموده و با لحنی استهزا آمیز فرار آن‌ها را از صحنه‌های نبرد به تصویر می‌کشد، تا از این رهگذر ضمن این که خشم و کینه خود را از عاملان ظلم و ستم تسلی می‌بخشد شکست و نابودی آن‌ها را نیز بیان دارد.

۲-۲-۹- ترسیم چهره دشمنان

ترسیم چهره دشمنان و بیان ستم‌پیشگی آنها به عنوان یکی از اصول مهم و اساسی در ظلم-ستیزی و ایستادگی برای حفظ ارزش‌های ملی و دینی در اشعار ابن منیر، نمود بارزی یافته است؛ البته او کم‌تر به توصیف و ترسیم ظلم صلیبیان پرداخته و چنانچه در برخی موارد هم به آن اشاره کرده، کوشیده با تصویر تقابل بین گذشته و حال، تصویری از زندگی با ذلت را در مقابل آرمان‌های آزادی‌خواهانه و سرفرازانه بیان دارد:

لَوْ كَمْ يُقْتَمُ مُنْصَلَتاً دُونَهُ كَمْ تَلَقَّ فِى أَقْطَارِهِ مُسْلِمًا
(همان: ۲۰۷)

ترجمه: اگر با شمشیر در برابرشان نمی‌ایستاد، در سراسر قلمرو او مسلمانی بر جای نمی‌ماند.

شاعر در این بیت به کشتار وحشیانه صلیبان در جنگ‌های صلیبی^۵ اشاره می‌کند؛ البته او به طور مستقیم به این موضوع نپرداخته بلکه با بیانی ظریف و هنرمندانه کشتار بی‌رحمانه مسلمانان به دست صلیبان را بیان نموده که با آمدن حاکمان زنگی، عمادالدین و نورالدین، سلطه شوم صلیبان و ظلم و ستم آنها برچیده شد. گویی شاعر تمایلی ندارد دوران اقتدار صلیبان و ضعف و شکست مسلمانان را بیان دارد؛ مگر زمانی که پیروزی را احساس نموده است. «حوادثی که شبیه یک گسست، یا همچون یک بحران‌اند، پدیده‌هایی فرار و خارج از حوزه تصمیم‌گیری‌های فردی و خواست آگاهانه کسانی هستند که در آن شرکت دارند؛ بنابراین، نمی‌توانند به مشاهده و بررسی آن پردازند؛ مگر پس از وقوع حادثه، در حالی که به سرآمد خود نزدیک می‌شوند» (سایق و اوینا، ۱۳۸۴: ۵۵).

گاه نیز ضمن نمایاندن ظلم و ستم دشمن صلیبی، به دلاوری‌های ممدوح که به پاس پایداری او سرزمین‌های مقدس اسلامی از خطر نابودی در امان مانده است اشاره می‌کند:

لَوْ لَمْ يَكُنْ دُونَ مَنِيٍّ فَاتَ الْمُنَى وَأَفْعِدَ الْفَائِزُ مِنْ قَوْمِهَا
 وَ أَمَتِكَ مَاءَ مَكَّةَ رَوَاضِعٌ يَقْضُرُ بَاغَ الدَّهْرِ عَنْ فِطَامِهَا
 وَ صَارَ كَالْجَمْرِ الْجَمَارِ وَ خَلَا مِنْ أَهْلِ الْأَشْرَفِ مِنْ مَقَامِهَا
 (ابن منیر: ۲۳۵)

ترجمه: اگر در دفاع از منی ایستادگی نمی‌کرد، آرزوهایمان بر باد می‌رفت و کسی نمی‌توانست آرامش را به آن بازگرداند/ ثروت‌ها و منابع مکه را می‌خوردند و حتی روزگار هم، توان ایستادگی در برابر آنها را نداشت/ و سرزمین مکه چون آتش شعله‌ور می‌شد و از ساکنان شریف و بزرگش تهی می‌گشت.

پر واضح است که خواست صلیبان به بازپس‌گیری بیت‌المقدس از مسلمانان محدود نمی‌شد؛ بلکه آنان در صدد از بین‌بردن مقدسات مسلمانان و ویرانی دو شهر بزرگ اسلامی یعنی مکه و مدینه بودند؛ از این رو، شاعر با احساس خطر از این امر و با بیان این که در این صورت هیچ کس را یارای مقابله با آنها نخواهد بود، ضمن نمایاندن ظلم و ستم دشمن صلیبی، دلاوری‌های ممدوح را که سرزمین‌های اسلامی به پاس دلاوری‌های او در امان مانده، می‌ستاید.

۲-۲-۱۰- تطبیق تاریخ

مقصود از تطبیق تاریخ، تلمیح و تلویحی است که در شعر مقاومت به گذشته اتفاق می‌افتد (کافی، ۱۳۸۷: ۴۰۲). ابن منیر با یادآوری حوادث اسلامی و ایجاد همانندی، تاریخ پر افتخار گذشته را برای مسلمانان بازسازی می‌کند. در این همانندسازی و یادکرد گذشته، انگیزه‌هایی چند نهفته است. «تفاخر در هم‌شانی با مبارزان و قهرمانان تاریخ، تقبیح دشمنان در مشابهت دادن آنها با جلادان تاریخ و ابراز انزجار از اهل ظلم و ستم از جمله این انگیزه‌هاست» (همان: ۴۰۲).

ابن منیر با طرح الگوها و اسوه‌های تاریخی و فراخوانی شخصیت‌های دینی و تاریخی، فضایی حماسی را در اشعارش ایجاد نموده است:

تَجَلَّى لَهَا حَيْدَرُ الْمَصَا
عِ اَغْلِبَ مُؤَدِّ بَغْلَابِهْ
(ابن منیر: ۲۲۱)

ترجمه: حیدرگونه و پر قدرت، در برابر آنان ظاهر شد و دلاورمردشان را به هلاکت رساند. توجه به گذشته پر افتخار و سراسر شکوه و عظمت دنیای اسلام و تمدن درخشانی که مسلمانان در گذشته تاریخی خود بنا کرده‌اند، همواره شاعر را بر آن داشته که شخصیت‌های برجسته اسلامی را در اشعار خود بارزتر جلوه دهد. در این بیت، شاعر به شخصیت امام علی^(ع) اشاره می‌کند و دلاوری‌ها و سلحشوری‌های ممدوح خود را در میدان نبرد به ایشان مانند می‌کند تا از این رهگذر ضمن این که فرهنگ گذشته پر فراز و نشیب ملت خویش را به عنوان وسیله‌ای تردیدناپذیر در بقا و دوام وطن به کار گیرد، با یادآوری شخصیت‌های برجسته دینی، روح تلاش و جنبش را از توفندگی قهرمانان و روح موج آنها بر همگان دمیده و حاکمان و مبارزان اسلامی را به ادامه مبارزه بر علیه متجاوزان برانگیزد. تقبیح دشمنان و مانند کردن آنها به اقوام فاسد و ظالم گذشته، از دیگر انگیزش‌های اعتقادی در شعر او به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که با ایجاد همانندی بین صلیبیان و قوم عاد و ثمود ضمن سلب ارزش‌های انسانی، رفعت و بزرگی ممدوح خود را به حضرت صالح و حضرت هود مانند نموده تا از این رهگذر افزون بر این که فساد و ظلم دشمنان را بیان می‌-

دارد، شکست‌پذیری ستم‌پیشگان را به آن‌ها نمایانده و بارقه‌های امید را در دل مجاهدان اسلامی روشن نگه دارد:

أودوا كما أودى بعادِ عيها
وَعَقَّوْا كَمَا اسْتَعْوَى الْفَصِيلَ ثُمُودُ
إِن أَلْمُوا عَقْرًا فَأِنَّكَ صَالِحٌ
أَو أَلْمُوا غَدْرًا فَأِنَّكَ هُوْدُ
(همان: ۲۴۲)

ترجمه: آنان به خاطر گمراهی‌هایشان همچون قوم عاد نابود شدند و همچنان که قوم ثمود بچه شتر را به گمراهی کشاندند، به گمراهی رفتند و از هدف باز ماندند/ اگر با قتل و کشتار موجب درد و رنج تو شدند- بدانند که- تو به مثابه صالح هستی و اگر با پیمان‌شکنی آزرده‌خاطرت کردند- بدانند که- تو به مثابه هود هستی.

ابن‌منیر با دریافتی صحیح و ظریف از شخصیت‌های مثبت و منفور تاریخ، افزون بر تحکیم ریشه‌های مشترک ملی و تأکید بر هویت دینی و اسلامی خویش، در ایجاد اتکای به نفس و حفظ تمامیت ارضی و غرور ملی خود سهم بسزایی داشته و همگان را در گیرودار حادثه‌هایی که به نابودی بسیاری از اقوام سرکش منجر می‌شود به آینده‌ای مطمئن و سرشار از سرفرازی و اقتدار رهنمون می‌سازد.

۳- نتیجه‌گیری

۱. ابن‌منیر از جمله شاعران متعهد عرصه مقاومت در ادب عربی است که نقش خود را به منظور به تصویر کشیدن حماسه‌آفرینی‌ها و سلحشوری‌های حاکمان و رزمندگان مسلمان و برای تداوم مقابله با دشمن صلیبی به خوبی ایفا نموده است؛ تا از یک سو پیروزی مسلمانان را در تاریخ اسلام ماندگار کند و از سوی دیگر با ایجاد روحیه پایداری و نوید پیروزی، همگان را به ادامه مبارزه ترغیب نماید.
۲. دعوت به جهاد، ایجاد انگیزه و تقویت روحیه پایداری، تهدید دشمنان و ترسیم ظلم و ستم آنان، ستایش شهیدان، تطبیق تاریخ و هجو دشمنان از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در شعر او به‌شمار می‌آید.

۳. ابن منیر با به‌کارگیری مضامین دینی، مسلمانان را به جهاد و پایداری در مقابل دشمنان دعوت می‌نماید و در این راه از تمام انگیزش‌های عاطفی، اعتقادی، تاریخی و باورهای اسلامی و ملی کمک می‌گیرد و ضمن بیان اقتدار و فرو کاستن از شأن دشمنان با ابراز سرور و شادمانی، پیروزی مسلمانان و شکست دشمنان را به تصویر می‌کشد.

۴. از آنجا که عامل دینی، مهم‌ترین انگیزه مسلمانان در مبارزه و ایستادگی در مقابل صلیبیان بوده، بیشتر هجوهای او به هجو دینی و مذهبی اختصاص یافته است. او با تشبیه دشمنان به اقوام ظالم و فاسد گذشته و طرح الگوهای برجسته اسلامی و ملی، تاریخ گذشته را به عنصر مقاومت برای ملت خویش بدل می‌سازد.

۵. جهاد داخلی و خارجی اساس و پایه شعر پایداری ابن منیر را تشکیل می‌دهد؛ بدین منظور در جهاد داخلی، ممدوح خود را به جهاد علیه حاکمان مناطقی که دشمن صلیبی را یاری داده‌اند، فرا می‌خواند؛ اما جهاد خارجی شاعر به جهاد دفع، به‌ویژه آزادسازی قدس از چنگال متجاوزان اختصاص یافته است.

یادداشت‌ها

۱. صرخد شهری است در کنار حوران و از مناطق دمشق می‌باشد.
۲. عریمه قلعه‌ای بود در حوالی طرابلس در شام.
۳. منظور از بنی‌صوفی امین الدوله، زین الدوله و مؤیدالدوله وزیران دمشق است.
۴. مسیحیان به بهانه نجات مقبره مسیح^(ع) و به قصد جهاد در راه خدا به سرزمین‌های اسلامی حمله‌ور شدند؛ به‌گونه‌ای که پاپ با ارائه شعار حضرت عیسی مبنی بر «از خویشتن بگذر، صلیب برگیر و از دنبال من بیا» از آنها خواست راهی سرزمین‌های اسلامی شوند. «این جهادی که امروز باید عازم آن بشوید، تنها برای فتح بیت‌المقدس نیست؛ بلکه باید تمام اقلیم پر ثروت آسیا و خزائن آکنده و بی‌حساب آن را تصاحب نمایید، اگر در این جنگ پیروز شدید، تمام کشورهای مشرق زمین از آن شما خواهد شد و اگر کشته شدید، به شرافتی بس بزرگ نایل آمده‌اید؛ یعنی در نقطه‌ای شهید شده‌اید که عیسی در آن شربت شهادت نوشیده است» (رشاد، بی‌تا: ۷۴).

۵. هنگامی که صلیبیان به سرزمین‌های اسلامی حمله‌ور شدند، ریختن خون مسلمانان را وسیله‌ای برای رضایت خداوند و پیروزی مسیح قلمداد کردند. «صلیبیان به هنگام اشغال بیت‌المقدس علاوه بر دیگر اعمال شنیعانه خود، هفتاد هزار انسان را که در بیت‌المقدس ساکن بودند، به قتل رسانیدند. به هنگام محاصره حلب، درختان را قطع نموده و مردگان را نبش قبر کردند و زندگان را نیز به شدت مجازات کرده و دست و پاهای آن‌ها را قطع می‌کردند» (هرفی، ۱۹۷۹: ۳۳-۳۲).

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. احمد بدوی، احمد. (۲۰۰۳م). **الحیاه الأدبیه فی عصر الحروب الصلیبیه بمصر و الشام**. الطبعة الثانية. القاهرة: دار النهضة.
۳. بروکلیمان، کارل. (بی‌تا). **تاریخ الأدب العربی**. مترجم رمضان عبدالتواب و سید یعقوب بکر. الجزء الخامس. القاهرة: دارالمعارف.
۴. رشاد، محمد. (بی‌تا). **جنگ‌های صلیبی**. تهران: اندیشه.
۵. سایق، میشل و فلورانس اوینا. (۱۳۸۴هـ). **مقاومت، آفرینش است**. مترجم حمید نوحی. تهران: چشمه.
۶. شکری، غالی. (۱۳۶۶ش). **ادب مقاومت**. مترجم محمد حسین روحانی. تهران: نشر نو.
۷. الطرابلسی، ابن منیر. (۱۹۸۶م). **دیوان**. شرح عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالجمیل.
۸. فروم، اریم. (۱۹۸۰م). **انقلاب امید**. مترجم مجید روشنگر. تهران: مروارید.
۹. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۷هـ). **ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان**. به کوشش احمد امیری خراسانی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۰. موسی‌باشا، عمر. (۱۹۷۲م). **الأدب فی بلاد الشام عصور الزنکین و الأیوبین و الممالیک**. الطبعة الثانية. دمشق: المكتبة العباسیه.

۱۱. الهمرفی، محمد علی. (۱۹۷۹م). *شعر الجهاد فی الحروب الصلیبیه فی بلاد الشام*، المملكة العربیه السعودیه: دار المعالم الثقافیه.

ب. مقاله‌ها

۱. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۲هـ). «شعر رسمی جنگ: یک بررسی تطبیقی». مجموعه مقالات ادبیات، جنگ و موج نو. به اهتمام شاهرخ تندرو صالح. تهران: فرهنگسرای پایداری.

Archive of SID